

خبر نامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره دوم - سیام بهمن ماه ۱۳۵۶

روز عزای ملی

کارخانه د خانیات از سالها قبل یکی از منبعهای اصلی درآمد کشور بود و کارگران بیدار دل آن همواره نقش فعالانهای در مبارزات ملی و کوششهای سندیکائی داشتند .

د دستگاه استبداد که بزرگترین وظیفه آن وابسته کردن اقتصاد کشور به سلطهگران بیگانه می باشد و وجود سندیکاها و اتحادیه های راستین را نیز برای بقای خود زیانبخش می داند از چند سال پیش با اجرای یک برنامه حساب شده سعی در ضعیف ساختن این واحد بزرگ تولیدی و در نتیجه زیر فشار قرار دادن کارگران مبارز آن کرده است .

سیگار خارجی که از حدود بیست سال پیش به شکل قاچاق به بازار ایران راه یافته بود ، اکنون نزدیک به شش سال است با پادار میانی پارهای از بلند پایگان دلال منش ورود آن بطور رسمی مورد حمایت قرار گرفته و زیر نظر شرکت سهامی د خانیات ایران که یک بنگاه دولتی است وارد و در کشور توزیع و روز بروز بر میزان مصرف آن افزوده و از میزان مصرف سیگار داخلی کاسته می گردد . در وضع فعلی میزان مصرف سیگار داخلی روزانه در حدود سی میلیون عدد است ولی میزان مصرف سیگار خارجی روزانه در حدود یکصد و میلیون عدد می باشد .

این سیاست غلط اقتصادی میزان تولید سیگار داخلی که حتی یک زمان بازار کشورهای همسایه را نیز تسخیر کرده بود و ناگزیر مقدار تولید توتون را در سراسر ایران بشدت کاهش داد و بزرگ زندگی کشاورزان و کارگرانی که در این رشته کشاورزی و صنعت کار می کردند اثر ناخوشایندی گذارده است .

اگر این وضع ادامه یابد در انتظار روزی بود که دهها هزار د هقان توتونکار و بیش از چهار هزار نفر کارگر کارخانه د خانیات به صف بیکاران کشور بیبوندند و سرگم کارهای غیر تولیدی شوند و این منبع بزرگ درآمد کشور از میان برود و شرکت سهامی د خانیات ایران با اینهمه عرض و طول و کارمندی که همه دارای حقوق های گزاف هستند بصورت بنگاه وارد

کنند و پخش کنند ، سیگارهای رنگارنگ خارجی درآید .

کارگران شرافتمند د خانیات که به حساب شغل خود خیلی زود به این توطئه پی برده بودند از هر فرصتی برای اعتراض و نشان دادن نارضائی خود استفاده می کردند ولی د دستگاه استبداد در محیط خفقان آوری که ایجاد کرده بود و با تهدید انبوه کارگران و تطمیع گروه اندکی از کارگران خود فروخته تاکنون از شکل گرفتن هرگونه مبارزه جلوگیری می نمود .

اما از دو هفته پیش کارخانه د خانیات چهره تازه ای پیدا کرده

روز بیست و نهم بهمن ماه برابر با چهلمین روز شهادت گروهی از آزادگان شهر مقدس قم بود .

د دستگاه استبداد به دنبال گشتار جمعی مردم این شهر با دستگیری و تبعید استادان و گویندگان آزاد پخواه و استقلال طلب حوزه علمیه قم و مبارزگان و پیشموران مبارزی که به یاری آنها برخاسته بودند ، چهره زشت و ضد ملی خود را بیش از پیش آشکار ساخت .

نظام حاکم بر ایران که در بیست و چهار سال گذشته با بکار گرفتن وحشیانه ترین شیوه های پلیسی همه آزاد بیهای فردی و اجتماعی مردم ایران را پایمال کرده است چون با افزایش تنگناهای سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشور و گسترش دامنه جنبشهای اعتراضی ، بقای خود را با خطر جدی روبرو میدید از سه ماه پیش با حادثه آفرینی های پی در پی برای بیم دادن مردم و باز داشتن آنها از شکل بخشیدن به مبارزه ملی تلاشهای گوناگونی را آغاز کرد .

روز نوزدهم دیماه د دستگاه استبداد در شهری که در پرتو برخورداری از آموزشهای والای اسلامی به سنگسار ایستادگی در برابر بی فضیلتی های زمان درآمد به پلیس د منش خود اجازه داد تا با سلاحهای گرم به زنان و مردان و حتی کودکان حمله کند و امید داشت با این قدرت نمایی برای مدتی دراز بویندگان راه آزادی و استقلال را از حرکت بازدارد . ولی طوفان خشم و نفرتی که سراسر کشور را فرا گرفت تعطیل یک هفته ای حوزه های علمیه همراه با خودداری از برگزاری نماز جماعت و نرفتن دانشجویان بقیه در صفحه ۲

آنچه در این شماره میخوانید

روز عزای ملی

مبارزه حق طلبانه کارگران د خانیات

این آقای رضا فلاح کیست

تمدن بزرگ د رجزیره کیش

خبرها و تازهها

XXXXXXXXXXXXXXXXXX

بقیه در صفحه ۳

تمدن بزرگی !! در جزیره کیش

میلیارد ها تومان پول این ملت سرازیر جزیره کیش شده است و با کوشش بسیار این جزیره به صورت یکی از بزرگترین عسرتکده های جهان و مرکز های فساد و قمار درآمد است .

جزیره کیش که دارای آب شور و هوای گرم و خاک غیر قابل کشت است با نصب دستگا ه های عظیم خنک کننده هوا و شیرین کننده آب و با آوردن خاک مخصوص بوسیله هواپیما که مستلزم هزینه های بسیار گزاف می باشد به محیط سرسبز و زیبای تبدیل گردیده و باغها ، کاخ ها ، ویلاها ، رستورانها ، قمارخانه ها و هرزه خانه ها در آن ساخته شده است تا هر هفته هواپیما های غول پیکر کنکورده خوشگذرانها را از گوشه و کنار دنیا به آنجا بیاورد .

حال آنکه با صرف کردن يك دهم از این پولها می شد روستاها و شهرک های بلوچستان و سیستان و خراسان را تبدیل به مراکز کشاورزی و دامپروری کرد و به فقر و حشنتان مردم این ناحیه ها پایان داد ، می شد با ساختن مترو و پایان دادن به کار اتوبوسهای دودزای شرکت واحد مردم تهران را از خطر مرگ تدریجی نجات بخشید ، میشد با ایجاد بیمارستانها و درمانگاهها هزاران بیمار سرگردان را شفا بخشید و شاید میشد این جزیره را بصورت پایگاه بزرگی برای بهره برداری از شیلات خلیج فارس درآورد .

آیا کدام يك لازم تر است ؟ البته در آستانه تمدن بزرگ تبدیل يك جزیره ایرانی به عسرتکده هزرگان جهان !!

روز ۰۰۰
دانشگاهها و مدرسه های عالی بـــه کلاسهای درس و بسته شدن حجره ها و مغازه های بازرگانان و پیشموران در شهر های کوچک و بزرگ و اعلامیه های اعتراض آمیز حزبها و دیگر سازمانهای سیاسی و حتی اتحادیه های صنفی و کانونهای فرهنگی خیلی زود روشن ساخت که دست اندرکاران حکومت نه تنها از ایمن "کشتار جمعی" سودی نبرد مانند بلکه این جنایت به پیکار حق طلبانمـــه نیروهای ملی اوج تازهای داد ماست .

مراجع تقلید ، این پیشوایان عالیقدر روحانی که به حکم خصلت عدالتخواهی تشییع همواره باور ستمدیدگان بودند مانند " برای بزرگداشت خونهای بناحق ریخته شده " جهلمین روز " فاجعه خونین قم " را " روز عزای ملی " اعلام نمودند و با دستور " تعطیل حوزه های علمیه " یکبار دیگر علیرغم تبلیغات پرداختمای که به شیوه های گوناگون علیه آنها میشود ، نقش برجسته خود را در پشتیبانی از پیکار ضد استبدادی وضد استعماری ملت ایران نشان دادند .

مردم میهن ما که از زشتکاریهای دستگاه استبداد بجان آمد فاند و کشور را از همه سود رلبه پرتگاه مییننمـــد و هشیارانه از هر فرصتی برای نمایان ساختن عمق نارضائی خود بهره میگیرند ، روز شنبه بیست و نهم بهمن ماه را بـــه راستی به " روز عزای ملی " بـــه روز پرخاش همگانی برضد استبداد و استعمار ، به سان ورژه نیروهای میهنی بدل کردند .

در این روز تاریخی یکبار دیگر سیل خشم و نفرت مردم در سراسر ایران بسوی دستگاه استبداد سرازیر شد و خبرهای رسیده نشان میدهد که در اغلب شهرهای بزرگ و کوچک و حتی روستاها جنبش اعتراضی به صورت اعتصاب دانشجویان و دانش آموزان مرکزهای آموزشی ، بستن بازارها ، برپائی آئین های یادبود و برآه انداختن دسته های عزاداری درآمد و در چند شهر " تعطیل عمومی " بود است .

این همبستگی بزرگ که نمایانگر پیوند همه گروههای اجتماعی با " جامعه " بقیه در صفحه ۳

زمانی که باختیانوف کونسول روس به ستارخان سردار ملی پیشنهاد کرد :
" بیرقی از کونسولخانه فرستاده شود و او بدرخانه خود زده در زمینهار دولت روس باشد و نوید میداد که سقره سورانی آنرا بایجان از دولت ایران برای او بگیرد " ستارخان چنین گفت :
" جنرال کونسول من میخواهم هفت دولت بزیر بیرون ایران بیاید من زیر بیرق بیگانه نروم ."
(نقل از تاریخ مشروطیت نوشته احمد کسروی)

این آقای فلاح کیست ؟ !

از چندی پیش آقای رضا فلاح قائم مقام سابق مدیر عامل شرکت ملی نفت از هر فرصتی برای یاوه سرائی پیرامون نهضت بزرگ ملی شدن صنعت نفت و به گمان خود دگرگونه جلوه دادن جریانهای تاریخی استفاده مینماید سخنرانی روز دوشنبه ۲۳ آبانماه آقای فلاح در کلوپ روتاری این کانون سیاست بازان وابسته به استعمار که یکی از شکل های جدید سازمان فراماسونری است با پاسخ منطقی و دندان شکن آقای دکتر کریم سنجابی قاضی دیوان داورى لاهه و استاد دانشگاه حقوق روبرو گردید و چهره این عامل استعمار که گمان می کرد با گذشت زمان خیانتهای او را مراسم ایران فراموش کرد فاند بازشناسی شد .

ولی آقای فلاح که جز رضایت ارباب هدفی ندارد به این آسانبها دست از هرزه رانی برداشت و روز دهم بهمن ماه در شماره ۸۲۰ بقیه در صفحه ۳

روز ۰۰۰ از صفحه ۲
روحانیت" و نوید بخش دامن گستری مبارزه ملی بر سراسر ایران بود بر "دیو مهیب خود سری" سخت گران آمد و دستها آلود ماش را که با خون آزادگان قرنگین شده بود با خون پاک دلیران تبریز، خضایی نموداد دستگاه استبداد که در ایران نقش یک قشون اشغالگر را ایفا میکند تا راه تاراج ثروت‌های خدادادی ایمن سرزمین را برای بیگانگان باز نگهدارد در ظرف چهل روز ناگزیر برای بقای خود دوباره به "کشتار جمعی" مردم بی دفاع دست میازید است.

اما خونهای پراچی که با خاک شهرهای قهرمان پرور قم و تبریز در آمیخته نمایشگر شکست ناپذیری ملتسی سترک می باشد که در پهنه تاریخ بارها بر نیروهای اهریمنی غلبه کرده است. این وحشیگریها دیگر نمیتواند میهن ما را به گورستان خاموشی که دلخواه نظام حاکم است بدل سازد و پیکار ملی تا احوای "حقوق ملت" و پایان گرفتن هرگونه تجاوز به قانون اساسی، این خونبهای شهیدان انقلاب مشروطیت کسه در بردارنده آزادی و استقلال ایران است سرسختانه دنبال خواهد شد.

مبارزه حقیقلبانه ۰۰۰ از صفحه ۱
است. در روز دوشنبه ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۵۶ نخست کارگران قسمتهائی از کارخانه که با کاهش تولید سیگار داخلی دریافتی آنها بر اساس "جدول مقاطعه" بسیار تقلیل یافته بود بعنوان اعتراض در صحن کارخانه اجتماع کردند که گردانندگان کارخانه پس از چند مانور ابلهانه بدستیاری گماشتگان ساواک و کماندوهای پلیس ناگزیر از عقب نشینی شدند و "جدول مقاطعه" جدیدی که اجرای آن بر میزان دریافتی این کارگران می افزود اعلام کردند.

در پی این پیروزی روز شنبه ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۵۶ کارگران قسمت هائی دیگری از کارخانه که از "جدول مقاطعه" جدید بهره ور نمیشدند شروع به اعتراض نمودند و تصمیم گرفتند از کار اضافی خودداری کنند و دیگر کارگران نیز با آنها همدردی کردند و کارخانه در پایان هشت ساعت کار روزانه تعطیل شد و کارفرما ناگزیر روز بعد به خواسته کارگران این قسمت نیز تسلیم و "جدول مقاطعه" آنها را نیز تغییر داد.

با اینهمه کارگران کارخانه د خانیات به پیروزی بدست آمده اکتفا نکردند و تاکنون با همه نیازی که برای گذران زندگی روزمره به دریافتی بیشتری دارند به نشان ادامه اعتراض از کار اضافی سر باز زدند و در جهت پیشگیری از ورود سیکارهای خارجی که بیشتر آنها ساخت کشورهای آمریکا و اسرائیل میباشد و تصحیح حداقل حقوق ثابت کارگران سابقه دار و بهبود یافتن وضع بهداشت و بیمه کارگران و تعیین سود ویژه یا پاداش سالانه و احیای سازمان سندیکای کارگران کارخانه که چندین سال است در زیر فشارهای پلیسی قرار گرفته و تعطیل شده به طرح خواستههای جدیدی پرداخته اند.

"ایران خراب خانه ماست و این هامون پر خون آشیانه ما و این وطن عزیز، مادر ماست که اجانب دست تعرض بدامن عصمتش دراز کرد ماند و این مدفن آبا و اجدادی ماست که میخواهند بدست قوم بی تمیز بیفتند."
از سخنن شاد روان ثقه الاسلام تبریزی.
(نقل از زندگینامه شهید . . .
نگارش نصرت الله فتحی)

"کاوها و امثال بزرگ و کوچک کاوه ها از شرق و غرب و شمال و جنوب ایران سرزند و سراپای ایران موطن مقدس آزاد یخواهان است."
از سخنان شاد روان شیخ محمد خیابانی
(نقل از کتاب شیخ محمد خیابانی تالیف علی آذری)

این آقای فلاح ۰۰۰ از صفحه ۲
انتشار داد. یک کارمند باز نشسته شرکت ملی نفت طی نامه سرگشاده ای تحت عنوان "پاسخ به جیره خوار و مزدور استعمار" مقاله را سطر به سطر جواب گفته و جایی برای گریز از حقیقت باقی نگذاشته است. در این نامه چنین آمده است. اکنون آقای فلاح بجای یک سخنرانی و یک مقاله صدها سخنرانی بکنند و مقاله بنویسند و فلاحها هزار برابر بشوند و تمام روزنامه های متحد المعال نویس سالها قلمفرسایی کنند و رادیو و تلویزیونهای دولتی شب و روز جریانات "عبور از تاریخ" را وارونه جلوه دهند و تمام درختهای دنیا قلم و تمام آبهای دریاها مرکب شوند که دهها سال دیگر باز هم به پیشوای بزرگ تاریخی ایران لعن و نفرین بنویسند، سرانجام دکتر مصدق پیروز خواهد شد همانطور که امیر کبیر بر ناصرالدین شاه پیروز شد و امروز کسی را یارای انکار آن نیست.
نویسند در پاسخ "اما این آقای رضا فلاح کیست" عین دو سند معتبر بدست آمد ما با یگانی محرمانه شرکت سابق نفت در زمان خلع ید را ارائه میدهد؛ در سند اول برای آقای فلاح بمناسبت طرفداری از شرکت سابق نفت و تشجیع او در ادامه این روش تقاضای کمک مالی شد بود رسند دوم از خدمات صادقانه وی بنیروهای اشغال کنند ما ایران در جنگ جهانی دوپا اعطاء مدالی از طرف اعلیحضرت ژرژ ششم قدردانی بعمل آمده است.

چون شد بباغ مرد در آهنگ باغبان "بهار"

مرغان باغ را کند از آشیان جدا

خبرها و تازه‌ها

"گشتار جمعی" مردم سلحشور تبریز به دنبال اعلامیه چهارتن از مراجع عالیقدر تقلید و اعلام "عزای ملی" به مناسبت چهل‌مین روز شهادت آزادگان به خون خفته قم، مردم قهرمان تبریز که در طول تاریخ مبارزات میهنی بارها دلیری و شایستگی خود را به اثبات رسانده‌اند روز شنبه ۲۹ بهمن ماه دست به یک تعطیل همگانی زدند و شهر تبریز به عزای ملی نشست.

در سراسر شهر هیچ مغازه‌ای باز نبود حتی مغازه‌های نانوائی و قصابی، دانشگاه‌ها و دبیرستانها و همه مراکز آموزشی نیز بسته بودند. مردم ائم از روحانی، دهقان از روستا آمده، بازاری، دانشجو، دانش‌آموز و کارگر همه در یک صف متحد به سوی مسجد‌ها در حرکت بودند تا در مجلسها ترحیم شرکت جویند و در سر راه خود به گردانندگان بانک‌ها و اداره‌هایی که علیرغم میل باطنی کارکنانشان باز بودند، تذکر میدادند که به صف مردم بپیوندند و تعطیل نمایند، در این میان دخالت پلیس که همواره با خشونت و نسنجیدگی همراه است موجب درگیری با جمعیت عزادار و خشمگین شد و در این میان به بعضی از بانک‌ها و اداره‌های دولتی آسیب‌هایی رسید. همبستگی مردم و صف‌رخنه ناپذیرشان سرانجام پلیس را وادار به عقب نشینی کرد ولی ناگهان دستگاه استبداد ارتش را که باید نگهبان مرزهای کشور باشد به میدان نبرد با مردم فرستاد و از زمین با تانک و از هوا با هلیکوپتر هجوم آغاز گردید و جمعیت عزادار را به مسلسل بستند و گروه بسیاری به خاک و خون کشیده شدند.

پس از آن شهر تبریز به صورت یک شهر اشغال شده درآمد و با برقراری حکومت نظامی از رفت و آمد مردم جلوگیری گردید و اجازه ورود و خروج به مسافران داده نشد با اینهمه هنوز شهر در حال تعطیل عمومی است و در گوشه و کنار تظاهرات خشنفناکانه مردم ادامه دارد. گفته می‌شود در این فاجعه بزرگ حدود سیصد تن کشته و بیش از پنجمهزار تن زخمی شده‌اند که وضع پانصد تن از آنها وخیم است.

تعطیل عمومی در شهر قم

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه از سوی چهار مرجع بزرگ تقلید حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری، حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی، حضرت آیت الله

العظمی مرعشی نجفی و حضرت آیت الله العظمی روحانی "روز عزای ملی" اعلام شد و به دنبال آن شهر قهرمان قم یکپارچه و بی آنکه درد و رافتادترین نقاط آن مغازه یا بنگاهی باز باشد به این ندا پاسخ گفت و "عزای عمومی" معنای واقعی پیدا کرد.

بیش از بیست هزار نفر از مردم داغ‌یفته و عزادار قم، صبح روز شنبه در مجلس یاد بود شهدا در مسجد اعظم که در آن حضرات آیات عظام نیسز شرکت داشتند گرد آمدند. گماشتگان ساواک و پلیس از قبل برق مسجد را قطع کرده و در شبستان رانیز بسته بودند و جمعیت در صحن حیاط مسجد سخنرانی پر شور حضرت حجت الاسلام آقای سید احمد کلانتر را شنیدند. در این اجتماع طی قطعنامه‌ای مراجعت حضرت آیت الله العظمی خمینی مرجع تقلید شیعیان جهان به ایران، آزادی زندانیان سیاسی بویژه حضرت آیت الله طالقانی و حضرت آیت الله منتظری و بازگشت تبعید شدگان از جمله حضرت آیت الله ربانی شیرازی خواسته شد.

در بعد از ظهر روز شنبه نیز مجلس ختمی در شبستان مسجد اعظم و صحن آن برپا بود که حدود چهل هزار نفر از مردم قم و کسانی که از دیگر شهرها آمده بودند در آن شرکت جستند و بار دیگر حضرت حجت الاسلام آقای سید احمد کلانتر در تشریح خواسته‌های "جامعه روحانیت" سخن گفتند.

اطاق اصناف

به توطئه‌های ضد مردمی ادامه می‌دهد به دنبال حمله ماموران اطاق اصناف از روزهای چهارم و پنجم بهمن ماه به بازار تهران که به بستن حجره‌ها و مغازه‌های پانزدتن از بازرگانان و پیشموران خوشنام انجامید و روشن شد که این اطاق به صورت یک سازمان پلیسی برای سرکوبی مبارزانی که برای "تعطیل عمومی بازار" کوشش کرده‌اند بکار گرفته شده است باز هم خبر رسیده که گردانندگان اطاق اصناف به این روش خلاف قانون خود ادامه می‌دهند و در روزهای بیستم و بیست و سوم بهمن ماه یک کتابفروشی را در خیابان خیام و چهار کتابفروشی را در خیابان ناصر خسرو پاساژ مجیدی به عنوان داشتن پروانه کسب تعطیل کردند.

باز هم تبعید

بنا بر خبر رسیده از شهرستان قم آقای حسین خردمند بازرگان فرش برای مدت سه سال به شهرستان خوی تبعید شده‌اند.

درود به مردم آزاده و بندگسل تبریز که دگر بار خاطر پدران خود را زنده کردند

تکثیر از طوف سازمان برون مرزی حزب ملت ایران اسفند ماه ۱۳۵۶